

اخبار و گزارش های کارگری 18 بهمن ماه 1404

- بیانیه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سیام کشتار دی ماه

- ششمین روز اعتراضات دانشجویان علوم پزشکی شیراز

روزشنبه 18 بهمن

- فراخوان یکشنبه اعتراضی مطالبه گران کف خیابان گیلان

- فراخوان تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی

- تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وابسته به شهرداری

- اعتراض سپرده‌گذاران تعاونی انقلاب نسبت به بلاتکلیفی و عدم پاسخگویی مسئولان با تجمع مقابل ساختمان شرکت و بستن خیابان

- به قتل رسیدن عبدالله فتحی مرد کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ایران بدست نیروهای سرکوب دستگاه جنایتکار رهبری

- دوصد نیمکت خالی؛ دوصد نام که نباید بی‌جان می‌شدند و این پایان نیست

- #نیمکت‌های_خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود

- فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران برای ثبت روایت کودکان جان‌باخته، آسیب‌دیده و بازداشت‌شده

6- آرين قاسمی زاده کودک ۱۴ ساله و اهل شهرستان کنگاور

7- آرمان گرجیان ۱۸ ساله و اهل بابامیدان رستم که در تاریخ ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در نتیجه اصابت گلوله توسط نیروهای سرکوب در سهراهی بابا میدان جان باخت.

8- جاوید نام #علیرضا_صیدی ۱۶ ساله

9- جان‌باختن یزدان افروغ، نوجوان ۱۷ ساله، در پی تیراندازی در تهران

10- جاویدنام نازنین اسمی‌خانی؛ جان‌باختن دختر ۱۸ ساله در پی تیراندازی تک‌تیرانداز در محدوده قزوین

- دانشجویان متحد:

1- محمدهادی مهیمنی بازداشت شد

2- تداوم بازداشت راحله معینی در زندان قرچک

3- سهراب عصاره بازداشت شد

4- علی خانپور بازداشت شد

5- کسری امینی بازداشت شد

6- تشکیل پرونده انضباطی برای دانشجویان دانشگاه بیرجند

- بیدارزنی:

1- بی‌خبری مطلق از وضعیت دکتر سروناز امیری طی ۲۸ روز گذشته

2- بی‌خبری مطلق از وضعیت لعلیا جابیک و بهزاد صحتی

3- بی‌خبری مطلق از وضعیت فاطمه (دلنواز) رضانی طی ۲۸ روز گذشته

- گزارشی از آخرین وضعیت احمد علیزاده

- کانون نویسندگان ایران:

1- مسئولیت جان زندانیان بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه و اداره‌ی زندان‌هاست:

تداوم بلاتکلیفی یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

2- تداوم نگرانی درباره‌ی وضعیت علی اسدالهی

- دو وکیل دادگستری دیگر ایرانی بازداشت شده اند، تعداد وکلای در حبس و بازداشت در ایران به

20 وکیل دادگستری افزایش پیدا کرد

- ادامه بازداشت 22 نفر از جامعه پزشکی

- استعفای دو استاد دندانپزشکی از هیئت مدیره انجمن اندودانتیست های ایران

- دیدگاه انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در مورد حوادث تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴

- بیانیه جامعه جراحان ایران

- بیانیه انجمن بیهوشی و مراقبت‌های ویژه ایران در خصوص لزوم حفظ حرمت، امنیت و آرامش

بیمارستان ها و مراکز درمانی

- بردگی را برنمی‌تابیم!

- وقتی عزاداری هم اعتراض می‌شود؛ رقص و هلله بر مزار جان باختگان اعتراضات اخیر

- مرگ و مصدومیت 3 کارگر کارخانه طلای سفید پراثر سقوط از ارتفاع بدنبال انفجار

***بیانیه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سیام کشتار دی ماه**

یک ماه گذشت از روزی که صدای پای شجاعت را در خیابان‌های ایران شنیدیم؛ یک ماه گذشت از روزی که صدای پای آزادی‌خواهی را در کوچه‌های ایران شنیدیم؛ یک ماه گذشت از روزی که بار دیگر صدای پای زندگی‌خواهی در ایران طنین انداخت. آنچه شنیدیم فریاد مردم ایران بود علیه حکومت استبداد و کشتار، علیه حکومت دینی جمهوری اسلامی. یک ماه گذشت از روزی که مزدوران جمهوری اسلامی به فرمان رهبر جنایتکارشان با تفنگ و شمشیر و قمه شجاع‌ترین فرزندان این سرزمین را کشتند. هزاران قلبی را که برای ایرانی آزاد می‌تپید با گلوله سوراخ کردند؛ هزاران مغزی را که اندیشه آبادی میهن داشت بر کف خیابان پاشیدند؛ خون‌هایی را که برای زندگی می‌جوشید بر زمین ریختند.

ما دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس همچون دیگر دانشجویان و مردم کشور داغداریم؛ داغدار هزاران جاویدنام. در سوگ دلیرانی از تبار رستم و سیاوش و گردآفرید؛ دلیرانی با رویاهای کوچک و بزرگ که اکنون با بدن‌هایی پرزخم زیر خاک خفته‌اند.

ما دادخواهیم دادخواه خون هزاران کودک و نوجوان و جوان و پیر به‌تنگ‌آمده. دادخواه دانش‌آموزان و دانشجویانی که دیگر رنگ مدرسه و دانشگاه را نخواهند دید.

ما دادخواهیم، نه تنها دادخواه هزاران جاویدنام، که دادخواه هزاران چشم روشن که استبداد چشم دیدنشان را نداشت؛ دادخواه تن‌های مجروح از خیابان برگشته؛ دادخواه هزاران زندانی شکنجه‌دیده.

ما بازمانده‌ایم، بازمانده کشتاری سازمان‌یافته. و بازماندگان را وظیفه‌ای است دشوار. وظیفه‌ای که پیکرهای انباشته در سردخانه‌ها بر دوش ما گذاشته‌اند؛ وظیفه‌ای که گریه مادرها بر گردن ما گذاشته است؛ وظیفه‌ای که از خون‌های ریخته بر آسفالت‌ها صدایمان می‌زند. جاویدنامان ما را صدا می‌زنند و پیمان می‌طلبند. از ما می‌خواهند که آرزوهای آنان برای ایران را به سرانجام برسانیم؛ ایران را از چنگ این هیولاهایم آزاد کنیم؛ و سرزمینی آباد و سرشار از سرود زندگی بسازیم.

ما بر این پیمان می‌مانیم.

***ششمین روز اعتراضات دانشجویان علوم پزشکی شیراز**

روزشنبه 18 بهمن

بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، برای روز ششم دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار آزادی کادر درمان شدند.



از جمله شعارهای دانشجویان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

خط مقدم جان، فداییان ایران

دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد

سعید جوانبخت، آزاد باید گردد

قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان

***فراخوان یکشنبه اعتراضی مطالبه گران کف خیابان گیلان**

مردم شریف و آگاه ایران!

"در کمتر از یک هفته، یکی از خونبارترین فصول سرکوب در تاریخ معاصر ایران رقم خورد. ده ها هزار کودک، زن و مرد به خاک و خون کشیده شدند و هزاران نفر دیگر در بازداشتگاههای (فاقد امکانات اولیه) امنیتی و زندانها، تحت ضد انسانی ترین شرایط به سر می برند"

طبق آمار ، تاکنون پیکر یکصد و پنجاه دانش آموز و کودک شناسایی شده که که جانشان به دست تک تیر اندازان حکومت ولایی گرفته شده است که تماما" از فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان بودند ؛ و وجدانهای بیدار را به داد خواهی معطوف می دارد.

بنا بر این ،زین پس هر فریاد صنفی و مدنی ، سمت و سوی

دادخواهی خواهد داشت. به کف خیابان آمده و چون رعد بر سر سرکوبگران فرود می آئیم

یکشنبه ۱۹ بهمن ۴۰۴ ساعت ۳۰/۱۰

#رشت، گلزار، مقابل اداره کل تامین اجتماعی گیلان

(مطالبه گران کف خیابان گیلان)

***فراخوان تجمع اعتراضی جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران نسبت به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی**

عدم پرداخت مطالبات کارگران گروه ملی فولاد اهواز دیگر قابل تحمل نیست. این رفتار نه بی‌برنامگی است و نه مشکل مالی، این تحقیر عمدی کارگر و بازی با نان و جان خانواده‌های زحمتکش است. مسئولینی که پشت میزهای خنک نشسته‌اند، یا درد کارگر را نمی‌فهمند یا خودشان را به نفهمی زده‌اند.

بارها هشدار دادیم، بارها فرصت دادیم، اما نتیجه فقط وعده‌های توخالی و وقت‌کشی بود. اگر تا امروز مطالبات کارگران پرداخت نشود، فردا بدون هیچ تعارفی به میدان خواهیم آمد و صدای اعتراض خود را به گوش تمام مسئولین استانی خواهیم رساند.

این آخرین هشدار است، صبر کارگر حد دارد. مسئولیت هرگونه تبعات اعتراضی، مستقیماً بر عهده مدیران و تصمیم‌گیرانی است که عمداً حقوق کارگر را گروگان گرفته‌اند.

وعده ما فردا یکشنبه

مورخ ۱۹/۱۱/۱۴۰۴

ساعت ۹ صبح درب تالار اجتماعات

***تجمع اعتراضی جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وابسته به شهرداری**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، از تجمع اعتراضی روزشنبه ۱۸ بهمن، جمعی از کسبه بازار جنت نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی پس از آتش سوزی مقابل ساختمان شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران وابسته به شهرداری، خبر می دهند.

براساس گزارش رسانه ای شده، روز پنجشنبه ۱۶ بهمن، دو روز پس از آتش سوزی، کاسبان بازارچه جنت که حالا تمام مال و اموال خود را در آتش از دست داده اند، برای شنیده شدن صدای شان در خیابان «نیلوفر» که کوچه کناری بازارچه است، جمع شده اند. همه در حال گفت وگو هستند. چند مرد و زن به دیگران می گویند که در مصاحبه با تلویزیون درخواست جبران خسارات کنند. یک زن مشغول گرفتن شماره مال باختگان است تا لینک کارزاری را که برای مطالبه جبران خسارات بازارچه جنت ایجاد شده است، برای آنها بفرستد. در این میان «خانم میم» در گوشه خیابان به دیوار حائل بزرگراه تکیه داده است؛ او که دارای دو غرفه لباس زیر مردانه و زنانه بود، می گوید: «آتش

نشانی دیر رسید و وقتی هم رسید، تانکرهاش آب نداشت. قبلا اینجا یک لوله آب اضطراری بود که چند سال پیش برای زدن ورودی مناسب معلولین برداشته شد. یکی از آتش نشانان به من گفت شانس آوردید در «نیایش مال» آب وجود داشت، وگرنه آتش سوزی خاموش نمی شد». او از سال 1392 در «بازار جنت» کار می کند و نزدیک به 12 سال از عمر خود را صرف ایجاد یک کسب و کار مطمئن برای خود در این بازارچه محلی کرده است: «الان هرکسی هرچه را داشته و نداشته از دست داده است. ما اینجا 350 غرفه بودیم، همه غرفه داران هم از قشر ضعیف هستیم و حالا در شب عید، تمام سرمایه خود را از دست داده ایم و کلی چک داریم که باید پاس شود». «خانم میم» می گوید پیمانکار بازارچه برای آنکه از مخارج کم کند، سیستم اطفای حریق را از اول فعال نکرده است: «این بازارچه را در 20 روز ساختند و پس از ساخت به خاطر اینکه هزینه نکنند، تنها به گذاشتن چیلر و سیستم اطفای حریق نمایشی بسنده کردند. این امکانات هیچ گاه به شکل واقعی فعال نشد و همیشه به ماموران بازرسی شهرداری (hse) می گفتند کپسول ها چک شده و ایمن است؛ درحالی که هیچ وقت چک نمی شد و در این حادثه نیز کپسول ها فقط 20 ثانیه کار کردند». سروصدایی بلند می شود، «خانم میم» بی توجه به جمعیت ادامه می دهد: «دست فروش نیستیم که ما را به جای دیگری منتقل کنند. ما اصلا دیگر چیزی برای فروش نداریم. ما درخواست داریم اول خسارت ما را بدهند و دوم اینجا را مثل دفعه اول که 20 روزه ساخته شد، دوباره بسازند».

***اعتراض سپرده‌گذاران تعاونی انقلاب نسبت به بلاتکلیفی و عدم پاسخگویی مسئولان با تجمع مقابل ساختمان شرکت و بستن خیابان**

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 18 بهمن، از اعتراض سپرده‌گذاران تعاونی انقلاب نسبت به بلاتکلیفی و وضعیت نامشخص دارایی‌هایشان و عدم پاسخگویی مسئولان با تجمع مقابل ساختمان شرکت و بستن خیابان، خبر می دهد.

***به قتل رسیدن عبدالله فتحی مرد کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ایران بدست نیروهای سرکوب دستگاه جنایتکار رهبری**

روز جمعه 19 دی، عبدالله فتحی مرد کارگر گروه ملی صنعتی فولاد ایران، اهواز بدست نیروهای سرکوب دستگاه جنایتکار رهبری به قتل رسید.



در همین رابطه: جمعی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران:

با نهایت تأسف و تأثر، جانباختن همکار عزیزمان عبدالله فتحی مرد در حوادث اخیر کشور را به خانواده، دوستان و همکاران ایشان تسلیت عرض می‌کنیم.

بی‌تردید فقدان این عزیز ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای خانواده ایشان و مجموعه بزرگ گروه ملی فولادهاواز است.

یاد و خاطره ایشان همواره در دل‌ها زنده خواهد ماند.

***دوصد نیمکت خالی؛ دوصد نام که نباید بی‌جان می‌شدند و این پایان نیست**

دوصد نام؛ نام‌هایی که تکرارشان خواهیم کرد تا روز دادخواهی. نوشتن این فهرست آسان نیست. هر اسم با مکث می‌آید، بغضی بالا می‌زند و بعد دردی می‌ماند که کشنده است.

هر نام یک «کاش» با خودش دارد: کاش زنده بود؛ کاش مدرسه‌اش هنوز منتظرش بود؛ کاش مادری مجبور نبود نام فرزندش را در فهرست‌ها بخواند.

این‌ها کودک بودند؛ زندگی داشتند، شیطنت داشتند و رؤیا داشتند، اما دست‌هایی تصمیم گرفتند که زندگی‌شان قابل حذف است.

این فهرست آرشیو مرگ نیست؛ کیفرخواستی است علیه سیستمی که کودک را نه صاحب زندگی، که مانعی برای بقای خود می‌بیند.

دو صد جان از ما گرفته شد؛ با گلوله، با فقر و با سرکوب، در امتداد یک منطق واحد؛ همان منطقی که آموزش را ناامن کرد، خیابان را به میدان تیر بدل ساخت و کودکی را جرم‌انگاری کرد. و پس از مرگ‌شان هم دست برنداشتند: نام‌ها را ممنوع کردند، خاکسپاری‌ها را بی‌صدا پیش بردند و حقیقت را انکار کردند. حذف، انکار و تحریف، ادامه‌ی همان سیاستی بود که پیش‌تر جان‌ها را گرفته بود.

کلاس‌ها دیگر مثل قبل نیستند. نیمکت‌های خالی فقط نشانه‌ی غیبت نیستند؛ بلکه یادآور جنایتی‌اند که به کلاس درس رسیده است؛ یادآور سیاستی‌اند که کودک را از کلاس، به گورستان فرستاد. کلاس‌هایی که دانش‌آموزان‌شان نام دوستان کشته‌شده‌شان را می‌دانند و معلمانی که دیگر فقط درس نمی‌دهند، بلکه شاهد و همراه این دادخواهی‌اند.

اما ما ایستاده‌ایم؛ در کنار خانواده‌ها، در کنار مادران و پدرانی که از دل سوگ، دادخواهی را برگزیدند، و در کنار دانش‌آموزانی که دیگر فقط «دانش‌آموز» نیستند، بلکه دادخواهان خون دوستان‌شان‌اند.

ما این نام‌ها را می‌نویسیم تا آموزش از بی‌طرفی دروغین بیرون بیاید و جامعه بداند تا وقتی مرگ کودک بی‌هزینه است، هیچ نظم سیاسی‌ای مشروع نیست. این فهرست فقط برای سوگواری نیست؛ برای بیدار ماندن است، برای فراموش نکردن این حقیقت که کودک‌کشی، سیاست است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

****نیمکت‌های خالی**

کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود

خون کودکان بی‌گناه، محصول مستقیم سرکوب بی‌رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده‌اش ربوده شد.

189- نام کودک: سروش اسحاقی / دانش آموز ۱۶ ساله

محل کشته شدن: اصفهان

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

190- نام کودک: آرین قاسمی زاده / دانش آموز ۱۶ ساله

محل کشته شدن: اسلامشهر

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

191- نام کودک: آرمان گرجیان /دانش آموز ۱۸ ساله

محل کشته شدن: بابامیدان ممسنی

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

192- نام کودک: علیرضا سیدی /دانش آموز ۱۸ ساله

محل کشته شدن: اراک

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

193- نام کودک: علیرضا صیدی /دانش آموز ۱۶ ساله

محل کشته شدن: شهر قدس

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

194- نام کودک: بهار شادمهری /دانش آموز ۱۷ ساله

محل کشته شدن: نیشابور

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

195- نام کودک: یاسین الهی /دانش آموز ۱۷ ساله

محل کشته شدن: شهرری

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

196- نام کودک: نوید ناظمی ملکی /دانش آموز ۱۷ ساله

محل کشته شدن: ساوه

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

197- نام کودک: یزدان افروغ - کشتی‌گیر ۱۷ ساله

محل کشته شدن: اهل الیگودرز و ساکن تهران

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

198- نام کودک: ابوالفضل یغموری- دانش آموز ۱۷ ساله

محل کشته شدن: فردیس کرج

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

199- نام کودک: امیرحسین محمدزاده- دانش آموز ۱۸

محل کشته شدن: افسریه تهران

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

200- نام کودک: محمد رضا قربانی - دانش آموز ۱۸

محل کشته شدن: شاهین شهر

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

201- نام کودک: مانی صفرپور - دانش آموز ۱۸

محل کشته شدن: تهران

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

202- نام کودک: سمیرا خانی

۱۲ ساله

محل کشته شدن: رامسر

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

203- نام کودک: حسنی شه دوستی

۱۴ ساله بلوچ

محل کشته شدن: بندرعباس

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

204- نام کودک: امیرعلی مولایی ۱۸ ساله

محل کشته شدن: قشم

تاریخ: _ دی ۱۴۰۴

205- نام کودک: امیرمهدی نعمتی نژاد، ۱۷ ساله

محل کشته شدن: اراک

تاریخ: _ دی ۱۴۰۴

206- نام کودک: ملیکا شاهمرادی، ۱۶ ساله

محل کشته شدن: کرندغرب، کرمانشاه

تاریخ: _ دی ۱۴۰۴

207- نام کودک: امیرعلی مودنی، ۱۷ ساله

محل کشته شدن: لنجان اصفهان

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

208- نام کودک: آروین مرادی، ۱۵ ساله

محل کشته شدن: شهریار

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

209- نام کودک: عرشیا نرج آبادی /دانش آموز ۱۸ساله

محل کشته شدن: تهران

تاریخ: ۱۹ دی ۱۴۰۴

210- نام کودک: امیر یکتا/دانش آموز ۱۷ساله

محل کشته شدن: قرار ورامین

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

211- نام کودک: علی مناتی

محل کشته شدن: بندرعباس

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

212- نام کودک: دانیال داداشیار رازلیقی

محل کشته شدن: تهرانپاری

تاریخ: _ دی ۱۴۰۴

213 و 214- نام کودک: امیر حسین عشقی ۱۸ساله همراه با برادرش آرین ۱۴ساله کشته شدند

محل کشته شدن: شهرک ولی عصر

تاریخ: ۱۸ دی ۱۴۰۴

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با خانواده‌های داغدار، خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان است.

توجه: شورا اسامی این کودکان را بر اساس اخبار منتشرشده در شبکه‌های قابل اعتماد و منابع معتبر منتشر می‌کند. اگر اطلاعاتی موثقی دارید، لطفاً با ما به اشتراک بگذارید تا گزارش‌ها دقیق‌تر و مستندتر شوند.

(برای مشاهده تصاویر به کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران مراجعه شود)

***فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران برای ثبت روایت کودکان جان‌باخته، آسیب‌دیده و بازداشت‌شده**

6- آرین قاسمی زاده کودک ۱۴ ساله و اهل شهرستان کنگاور

بر اساس گزارش رسیده جمعه ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴، آرین قاسمی زاده کودک ۱۴ ساله و اهل شهرستان کنگاور از توابع استان کرمانشاه (کرماشان) در جریان اعتراضات مردمی در اسلامشهر تهران با شلیک مستقیم گلوله جنگی نیروهای سرکوبگر حکومتی به ناحیه پشت مجروح شد و ساعاتی پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. این کودک چهارده ساله روز دوشنبه ۲۲ دی ماه در بهشت فاطمه صالحیه به خاک سپرده شد. آرین قاسمی زاده در دو رشته کشتی و ژیمناستیک فعالیت ورزشی داشت.

پدرش (سجاد قاسمی) می‌گوید:

آرینم تازه می‌خواست زندگی کنه و من و مادرش کمک کنه پسر من تازه داشت طعم زندگی رو میچشید و من چه آرزوها براش داشتم که دست تقدیر نداشت برام بمونه و داغش تا عمر دارم تو دلم میمونه

7- آرمان گرجیان ۱۸ ساله و اهل بابامیدان رستم که در تاریخ ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴ در نتیجه اصابت گلوله توسط نیروهای سرکوب در سهرای بابا میدان جان باخت.

آرمان از دانش‌آموزان نخبه مدرسه اندیشه نورآباد ممسنی بود.

بر اساس اطلاعات رسیده، گلوله به ناحیه قلب این جوان اصابت کرده و منجر به مرگ او شده است.

بر سنگ مزار آرمان گرجیان جمله‌ای نوشته شده که به نمادی از دادخواهی خانواده و وجدان جمعی جامعه تبدیل شده است:

«به کدامین گناه کشته شدی؟»

8- جاوید نام #علیرضا_صیدی ۱۶ ساله

متولد شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام بدلیل قبول شدن در دبیرستان تیزهوشان به تهران نقل مکان کردند

علیرضا صیدی سرشار از انگیزه و هدف برای آینده‌ی تحصیلی‌اش که تحصیل در علوم پزشکی تهران بود..

این ویدیو مسیج در شب ۱۷ دی بعد اصلاح کردن موی سر و ریشش در ساعت ۹:۳۰ شب برای دوستش گرفته شده... همان ساعتی که فردا شب راس آن در خون غلت خورده به دست خواهرش رساندنش و در آغوش خواهرش جان سپرد.

خواهرش می‌گوید:

علی از اون شب به بعد در اتاقت بسته اس، کتابات هنوز روی میزه نتونستیم بهشون دست بزنیم
چیکار کنیم اخی

9- جانباختن یزدان افروغ، نوجوان ۱۷ ساله، در پی تیراندازی در تهران

یزدان افروغ، ۱۷ ساله، کشتی‌گیر، متولد الیگودرز و ساکن تهران، در جریان تیراندازی در محله‌ی شادآباد، منطقه ۱۸ تهران، جان خود را از دست داد.

بر اساس روایت شاهدان عینی، عاملان این تیراندازی در محل حضور داشته و با استفاده از سلاح گرم اقدام به شلیک کرده‌اند. گزارش‌ها حاکی است که گلوله به ناحیه قلب یزدان افروغ اصابت کرده و او در نتیجه شدت جراحات جان باخته است.

همچنین بنا بر اظهارات نزدیکان خانواده، پس از جانباختن این نوجوان، برای تحویل پیکر او مبلغ قابل توجهی از خانواده مطالبه شده است؛ موضوعی که واکنش‌ها و انتقادهای گسترده‌ای را در پی داشته است.

شاهدان محلی گفته‌اند فضای پیش از تیراندازی متشنج بوده و عاملان با تهدید و رفتار خشونت‌آمیز در محل حضور داشته‌اند. این حادثه بار دیگر نگرانی‌ها درباره‌ی امنیت نوجوانان و تداوم خشونت در فضاهای شهری را افزایش داده است.

10- جاویدنام نازنین اسمی‌خانی؛ جانباختن دختر ۱۸ ساله در پی تیراندازی تک‌تیرانداز در محمدیه قزوین

نازنین اسمی‌خانی، ۱۸ ساله، در شامگاه ۱۹ دی‌ماه در شهر محمدیه، استان قزوین هدف تیراندازی تک‌تیرانداز قرار گرفت و جان باخت. بر اساس گزارشی که یکی از بستگان او به دست آورده، نازنین در زمان حادثه همراه با پدر و مادرش و در مسیر بازگشت به خانه بوده است.

یکی از بستگان نزدیک نازنین در گزارشی گفته است: «تک‌تیرانداز از پشت‌سر به نازنین شلیک کرده و پس از اصابت گلوله، او در حالیکه در آغوش پدرش بود، با یک خودروی پژو ۴۰۵ به محل دیگری منتقل شده است.»

به گفته‌ی فرد راوی، برای تحویل پیکر نازنین، ۳۰۰ میلیون تومان پول به‌همراه طلاهای شخصی نازنین از خانواده‌ی او دریافت شده است.

نازنین اسمی‌خانی متولد ۱۳ آذر ۱۳۸۶ و دانش‌آموز سال آخر دبیرستان بود. او عکاسی می‌خواند و همزمان در یک آتلیه‌ی عکاسی کار می‌کرد، گیتار و سه‌تار می‌نواخت و دختری شاد و پرنرزی بود.

***دانشجویان متحد:**

1- محمدهادی مهیمنی بازداشت شد

محمدهادی مهیمنی، دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، حدود ۱۰ روز پیش توسط نیروهای حکومتی بازداشت شده و در طول بازداشت تحت شکنجه قرار گرفته است. وی همچنان در زندان گرگان محبوس بوده است.

2- تداوم بازداشت راحله معینی در زندان قرچک

بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، پس از حدود یک ماه بی‌خبری از وضعیت راحله معینی، دانش‌آموخته رشته مهندسی پزشکی دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی پزشکی در دانشگاه پلی‌تکنیک میلان، خانواده مطلع شدند او در زندان قرچک نگهداری می‌شود.

پس از پیگیری‌های فراوان، خانواده دریافتند که راحله از وضعیت جسمی و روحی مناسبی برخوردار نبوده و به‌سختی قادر به راه رفتن بوده است.

3- سهراب عصاره بازداشت شد

سهراب عصاره، دانشجوی پزشکی و از دانشجویان ورودی ۱۴۰۱ دانشگاه علوم پزشکی ایران، در جریان سرکوب اخیر بازداشت شده است.

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، وی یک ماه است که در بازداشت به سر می‌برد.

4- علی خانپور بازداشت شد

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، علی خانپور، دانشجوی ۲۰ ساله مهندسی پزشکی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، در جریان سرکوب اخیر بازداشت شد.

5- کسری امینی بازداشت شد

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، کسری امینی دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه سمنان، چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه در هفت‌حوض نارمک بازداشت شد.

این بازداشت در ساعات ظهر و در شرایطی انجام شده که محل شلوغ نبوده است. وی پس از بازداشت به زندان فشافویه منتقل شده و تاکنون آزاد نشده است.

کسری امینی در تاریخ ۲ بهمن‌ماه تولد ۲۴ سالگی خود را در بازداشت سپری کرده است.

6- تشکیل پرونده انضباطی برای دانشجویان دانشگاه بیرجند

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، اخیراً کمیته انضباطی دانشگاه بیرجند با تعداد کثیری از دانشجویان تماس گرفته و از تشکیل پرونده انضباطی، شکایت حراست علیه آنان خبر داده است. در برخی موارد، دانشجویان به اخراج و محرومیت از تحصیل تهدید شده‌اند.

همچنین کمیته انضباطی این دانشگاه، در اقدامی عجیب و برخلاف شیوه‌نامه انضباطی، از دانشجویان خواسته است تا از خود در حال قرائت دفاعیه، فیلم تهیه کرده و آن را برای کمیته ارسال کنند.

***بیدارزنی:**

1- بی‌خبری مطلق از وضعیت دکتر سروناز امیری طی ۲۸ روز گذشته

دکتر سروناز امیری، پزشک عمومی ۳۱ ساله در تاریخ ۲۱ دی‌ماه با یورش ماموران امنیتی در منزل خود بازداشت شد. طی این مدت او از حق تماس تلفنی محروم بوده، همچنین از ضابط پرونده و محل نگهداری او نیز هیچ اطلاعی در دست نیست. طی این مدت، پیگیری‌های خانواده نتیجه‌ای نداشته است و آنها در نگرانی شدیدی به‌سر می‌برند.

2- بی‌خبری مطلق از وضعیت لعلیا جابیک و بهزاد صحتی

ششم بهمن‌ماه، دکتر بهزاد صحتی، استاد دانشگاه پارس به همراه همسرش لعلیا جابیک، استاد دانشگاه در منزل شخصی خود بازداشت شدند.

این بازداشت در مقابل چشمان فرزند هفت‌ساله این زوج صورت گرفته است. تا لحظه تنظیم این خبر، هیچ‌گونه اطلاعی درباره نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری این دو استاد دانشگاه منتشر نشده است.

3- بی‌خبری مطلق از وضعیت فاطمه (دلنواز) رضانی طی ۲۸ روز گذشته

«ما توی خونه صداس میزنیم دلنواز.

فاطمه‌ی ما رو بردن و هیچ اطلاعاتی درباره‌ی وضعیش بهمون نمی‌دن.»

دلنواز رضانی روز ۲۸ دی‌ماه، حین ترک منزل به سوی محل کار با یورش ۱۵ ماموران امنیتی بازداشت شده و تا کنون هیچ اطلاعی از سلامت و محل نگهداری‌اش در دست نیست. به گفته‌ی خانواده، ماموران حین ورود، گوشی دلنواز را تفتیش کردند و ویدیوهایی از سرکوب معترضان و آتش زدن شهرداری فولادشهر اصفهان پیدا کردند.

دلنواز رضانی با ضرب‌وشتم شدید ماموران امنیتی بازداشت شده و این بی‌خبری، خانواده را هراسان کرده است.

رسانه‌ای شدن نام فرد بازداشتی، نخستین کمک به آنان است. اعلام وضعیت فرد (بهرمندی از تماس، عدم تماس، جزئیات پرونده و یا اعلام بی‌خبری مطلق) دست ظابطین پرونده را در اعمال شکنجه، ناپدیدسازی قهری و پرونده‌سازی‌های سنگین، کوتاه می‌کند. صدایشان باشیم.

***گزارشی از آخرین وضعیت احمد علیزاده**

احمد علیزاده معلم بازنشسته که در جریان جنبش زن زندگی آزادی بازداشت و به تحمل حبس و تبعید محکوم شده بود، در حالی که دوران تبعید خود را می گذراند، توسط اطلاعات سپاه بازداشت شد و تاکنون از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست.

علت بازداشت احمد علیزاده وسخرانی بر سر مزار جاویدنام علیرضا صیدی بوده است.

این معلم شجاع با وجود محکومیت قبلی و حکم تبعید بر سر مزار این دانش آموز جانباخته حاضر شده و سخرانی شجاعانه ای در ستایش مقاومت نوجوانان و جوانان ایراد کرد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت دوباره بازداشت غیر قانونی احمد علیزاده، خواهان آزادی ایشان و سایر معلمان در بند است.

***کانون نویسندگان ایران:**

1- مسئولیت جان زندانیان بر عهده ی قوه ی قضائیه و اداره ی زندان هاست:

تداوم بلاتکلیفی یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

یک ماه از بازداشت یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، گذشته و او همچنان در زندان تهران بزرگ محبوس است و همچون بسیاری از زندانیان درگیر بیماریست.

امروز، ۱۸ بهمن ماه، شعبه ای ۸ بازپرسی دادسرای شهر ری در پاسخ به پیگیری های هر روزه ی کانون نویسندگان ایران و نزدیکان یوسف انصاری اعلام کرد که پرونده ی او به دادگاه ارجاع شده است.

این شعبه یک روز پس از بازداشت انصاری برای او قرار وثیقه ی یک میلیارد تومانی صادر و او را به زندان تهران بزرگ منتقل کرده بود. با وجود تأمین فوری وثیقه، بازپرس شعبه ی ۸ از پذیرفتن آن سر باز زد. ابتدا پذیرش وثیقه را به روزهای آتی موکول کرد و در نهایت هفته ی گذشته با پرخاش کسانی را که پیگیر آزادی انصاری بودند، از دادسرا بیرون راند.

یوسف انصاری، همچون بسیاری از زندانیان تهران بزرگ، بیمار شده و تا کنون بهبودی در وضعیت او حاصل نشده است. بیماری که در ابتدا با سرفه های عادی شروع شده بود در شرایط بغرنج زندان و در غیاب درمان و تغذیه ی مناسب به درد در قفسه ی سینه و کلیه ها رسیده است.

خبرهای رسیده از زندان در کنار سابقه ی دادسرای شهر ری در دادن اطلاعات ضد و نقیض به خانواده های بازداشت شدگان، به نگرانی ها درباره ی وضعیت یوسف انصاری دامن زده است. بدیهی است که مسئولیت جان و سلامت او بر عهده ی قوه ی قضائیه و اداره ی زندان هاست.

یوسف انصاری، ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ در مراسم سالگرد بکتاش آبتین، بازداشت و یک روز بعد به زندان تهران بزرگ منتقل شد. در یک ماه گذشته مراجع قضایی پاسخی روشن در خصوص تداوم این بلاتکلیفی و بازداشت نداده اند. این در حالی است که قرار بازداشت فک شده و وثیقه ی مورد مطالبه نیز یک روز پس از صدور قرار ارائه شده است.

2- تداوم نگرانی درباره‌ی وضعیت علی اسدالهی

همسر علی اسدالهی (شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران) با انتشار مطلبی از تداوم بازداشت و «برخوردهای خشونت‌آمیز» با او خبر داد.

در بخشی از این متن آمده است: «او هنوز از اتهام مطرح شده علیه خود اطلاعی ندارد و تاکنون چهار بار مورد بازجویی قرار گرفته. موضوع نگران‌کننده این است که او اعلام کرد برخوردهای خشونت‌آمیز با او ادامه داشته اما در حین بازجویی رخ نداده است.»

اسدالهی پنجم بهمن ماه با یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش بازداشت و وسایل ارتباطی و الکترونیکی‌اش ضبط شد. به گفته‌ی نزدیکان او این یورش همراه با ضرب‌وشتم صورت گرفته است.

***دو وکیل دادگستری دیگر ایرانی بازداشت شده اند، تعداد وکلای در حبس و بازداشت در ایران به 20 وکیل دادگستری افزایش پیدا کرد**

بنا بر آخرین اخبار وکیل محسن درگی نژاد عضو کانون وکلای خراسان جنوبی و وکیل امیرحسین بهادری عضو کانون وکلای خراسان رضوی هم اخیراً بازداشت شده اند و خبری در باب تاریخ بازداشت و اتهام انتسابی منعکس نشده است.

بدین ترتیب تا امروز یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴، تعداد وکلای در حبس و بازداشت در ایران به حداقل ۲۰ وکیل افزایش پیدا کرده است که از این تعداد ۱۳ وکیل در روزها و هفته‌های قبل بازداشت شده اند (هر چند که ممکن است آمار بازداشت وکلا بالاتر هم باشد).

۱۳ وکیل بازداشتی اخیر عبارتند از:

شیما قوشه، جعفر کشاورز، جعفر زارعی، مهران انصاری، زهره جوانی،

سپیده طاهری، مسعود شیرمردی، تیمور سالاری، علیرضا فرزانه، عنایت الله کراماتی، نازنین برادران، محسن درگی نژاد و امیرحسین بهادری.

همچنین ۷ وکیلی که قبل از اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ در حبس و بازداشت بوده اند عبارتند از:

محمد نجفی، سیدمحمد رضا فقیهی، طاهر نقوی، سیدمهدی کریمی فارسی، ابوالفضل رنجبری، جواد علی کردی برادر زنده نام وکیل خسرو علی کردی و ابراهیم پارسامهر.

تاریخ_کانون_وکلا

***ادامه بازداشت 22 نفر از جامعه پزشکی**

از مجموع 33 بازداشتی جامعه پزشکی تاکنون 11 نفر در شهرهای مختلف کشور آزاد شده‌اند و

22 نفر کماکان در بازداشت بسر می‌برند.

***استعفای دو استاد دندانپزشکی از هیئت مدیره انجمن اندودانتیست های ایران**

ریاست محترم انجمن اندودانتیست های ایران

با سلام و آرزوی سلامتی

با احترام و ادب، اینجانبان دکتر علی کنگرلو و دکتر شهریار شاهی با عنایت به مسائل روز جامعه و زخم عمیق بر تن میهن، و اینکه متأسفانه هیأت مدیره انجمن در حالت انفعال و بی عملی و بی تفاوتی قرار گرفته و حتی از انتشار بیانیه ای ساده در محکومیت جفای بکار رفته بر پزشکان و دیگر کادر درمان امتناع می ورزد، از ادامه عضویت در هیأت مدیره و خزانه داری انجمن معذور بوده و استعفای خود را تقدیم می‌داریم، خواهشمند است با استعفای اینجانبان موافقت بفرمائید.

ارادتمند

دکتر علی کنگرلو

دکتر شهریار شاهی

***دیدگاه انجمن علمی روان‌پزشکان ایران در مورد حوادث تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴**

انجمن علمی روان‌پزشکان ایران بر خود فرض می‌داند کشته‌شدن جمعی از هموطنان‌مان را به ملت شریف و داغدار ایران تسلیت بگوید و همدردی خود را در قبال این ضایعه فراموش‌نشدنی ابراز نماید. ما همچنین خشونت عریانی را که شاهدش بودیم، به‌شدت محکوم می‌کنیم.

برای یافتن ریشه‌های بحران لازم نیست راه درازی بپیماییم و دست به تئوری‌سازی‌های غریب بزنیم. حاکمیت باید با پذیرش مسئولیت، با نگاهی به احوالات جامعه و نوع حکمرانی جاری، به اصلاح عملکرد خود و دیدن ریشه‌های اصلی نارضایتی، ناکامی، دل‌زدگی و ناامیدی‌های روزافزون مردم بپردازد.

در شرایط بحرانی کنونی، صرفاً از طریق ساده‌سازی یا روایت‌سازی، به‌ویژه از طریق نمایش خشونت آشکار یا رفتار توهین‌آمیز رسانه‌ای نمی‌توان پاسخ‌گوی پیچیدگی وضعیت کنونی بود؛ روشی که نه‌تنها نمی‌تواند تسکینی بر درد مردم باشد، بلکه به تداوم چرخه‌ای از تنش و خشونت خواهد انجامید. عدم پذیرش مسئولیت، نه‌تنها احساس امنیت روانی شهروندان را تضعیف می‌کند، بلکه مؤلفه‌های اساسی سلامت روان اجتماعی، از جمله اعتماد متقابل، احساس تعلق و امید به آینده را نیز با آسیب مواجه می‌سازد.

در چنین شرایطی که داغ و غم جامعه با نگرانی ناشی از جنگ احتمالی پیچیده‌تر شده است، مردم نیازمند مسئولیت‌پذیری، همدلی، تسلی‌بخشی و امکان سوگواری هستند، نه قدرت‌نمایی، تهدید و مجازات‌های شدید. باید احساسات غالب در جامعه را به رسمیت شناخت و برای ترمیم آن تلاش کرد؛ اگر زمانی برای ترمیم باقی مانده باشد.

برخوردهای سطحی یا نمایشی با اندوه اجتماعی، به‌جای کمک به ترمیم روانی جامعه، ممکن است احساس طرد، خشم پنهان و بی‌اعتمادی را تقویت کند. رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های رسمی، نقش فراموش‌شده مهمی در بازتاب واقعیت رنج شهروندان و فراهم‌کردن بستری برای گفت‌وگویی انسانی و مسئولانه دارند.

انجمن علمی روان‌پزشکان ایران، در چارچوب مسئولیت حرفه‌ای و اجتماعی خود، بر ضرورت کاهش فوری خشونت، حفاظت از حقوق و جان بازداشت‌شدگان، در نظر گرفتن انصاف و رأفت، رعایت اصول دادرسی شفاف، پرهیز از برخوردهای شدید و شتابزده و حمایت روانی از خانواده‌های داغ‌دیدگان با تأکید بر فراهم‌سازی امکان سوگواری، پایبندی عملی به اصول اخلاقی، حقوق بشر و موازین انسانی تأکید می‌کند. چشم‌پوشی بر این میزان رنج انسانی، نه با اخلاق سازگار است و نه با مبانی علمی سلامت روان.

ما همدردی صمیمانه خود را با قربانیان و بازماندگان این رویدادهای تلخ اعلام می‌کنیم و بر این باوریم که تنها از مسیر خردورزی، مسئولیت‌پذیری و تلاش برای یافتن راحل‌های غیرخشونت‌آمیز می‌توان از تداوم این روند آسیب‌زا جلوگیری کرد و زمینه ترمیم سلامت روان جامعه را فراهم ساخت.

شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴

هیأت مدیره انجمن علمی روان‌پزشکان ایران

***بیانیه جامعه جراحان ایران**

جامعه جراحان ایران، ضمن ابراز تأسف و تأثر از آنچه که در دی ماه ۱۴۰۴ در صحنه اجتماعی میهن عزیز رخ نمود با تأکید بر اصل بی‌طرفی در عرصه پزشکی، اعلام می‌دارد که ساحت جامعه پزشکی، فارغ از هرگونه تبعیض، وابستگی و پیش‌داوری، در هر موقعیتی به پاس داشت جان انسان‌های نیازمند و ارائه خدمات درمانی بطور کامل پایبند است.

هرگونه تعدی به ارائه دهندگان خدمات پزشکی و برهم زدن امنیت مراکز درمانی و نیز تهدید یا محدودسازی فعالیت کادر درمان و ایجاد اختلال در کارکرد بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها از جانب هر کس و به هر دلیل و به هر شکلی که باشد مردود است. این‌گونه رفتارها، با مسلمات اخلاقی و موازین انسانی در تضاد است و در نهایت خطری برای امنیت عمومی جامعه به‌شمار می‌آیند.

جامعه جراحان ایران، تعدی به تعدادی از ارائه دهندگان خدمات سلامت در محیط‌های درمانی و در حین ارائه خدمت به بیماران در جریان رویدادهای دی ماه را به شدت محکوم می‌کند و آن را مغایر با تمامی اصول انسانی و اخلاقی می‌داند. این در حالی است که براساس تمامی موازین و معیارها، کادر درمان، مراکز درمانی و ابزارهای امدادی باید در همه حالات از ایمنی کامل برخوردار باشند. هرگونه انحراف از این اصول، نقض تعهدات مسلم انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود.

جامعه پزشکی نباید در معرض انتقام جویی اجتماعی قرار بگیرد. هر تعدی به روند درمان و فضاهای درمانی، در حقیقت، تعدی به حق اساسی زیستن انسان‌هاست؛ لذا جامعه جراحان ایران، بر اهمیت احترام عملی به بی‌طرفی پزشکی، تضمین امنیت مراکز درمانی و پرهیز از هرگونه خشونت علیه جان انسان‌ها تأکید می‌ورزد. همچنین جامعه جراحان ایران، با قدردانی عمیق از جامعه پزشکی، از تلاش‌های پزشکان، پرستاران و کادر درمان در مداوای همه دردمندان و مصدومان رویداد دی ماه صمیمانه سپاسگزار است.

این بزرگواران با تعهد انسانی خود، بدون تمایز، به یاری هم وطنان شتافتند و جان های بسیاری را نجات دادند و در آن لحظات بحرانی و غمبار، همچون همه ی بحرانهای قبل از آن در صحنه خدمت رسانی به هم میهنان عزیز حاضر بودند و کمال مسئولیت پذیری اجتماعی را به نمایش گذاشتند.

جامعه جراحان ایران

***بیانیه انجمن بیهوشی و مراقبت های ویژه ایران در خصوص لزوم حفظ حرمت، امنیت و آرامش بیمارستان ها و مراکز درمانی**

«در پی حوادث تلخ و ناگوار اخیر که منجر به جان باختن و مجروح شدن جمعی از هموطنان عزیزمان شد، جامعه متخصصین بیهوشی و مراقبت های ویژه با اندوهی عمیق، ضمن ابراز تأسف و تأثر فراوان، مراتب تسلیت و همدردی صمیمانه خود را به خانواده های داغدار و تمامی آسیب دیدگان اعلام می دارد و برای مجروحان و بیماران، شفای کامل و بازگشت هرچه سریع تر به آغوش خانواده آرزو می کند.

«حرفه بیهوشی و مراقبت های ویژه، حرفه ای است که در حساس ترین و بحرانی ترین لحظات حیات انسان معنا می یابد؛ در مرز میان زندگی و مرگ، در اتاق های عمل، بخش های مراقبت های ویژه و صحنه های اورژانسی که هر ثانیه آن تعیین کننده است. رسالت تمامی کادر پزشکی و بویژه متخصصین بیهوشی، پاسداری از جان بیماران، کاهش درد و رنج، و فراهم کردن فرصت دوباره برای زندگی است. جامعه پزشکی کشور بر پایه تعهد اخلاقی، شرافت حرفه ای و سوگندی که برای حفظ جان انسان ها یاد کرده است، در تمامی شرایط خود را موظف به ارائه خدمات درمانی بدون هیچ گونه تبعیض قومی، مذهبی، فکری یا اجتماعی می داند و خدمت رسانی به بیماران را وظیفه ای انسانی و فراتر از هر اختلافی تلقی می کند؛ مسئولیتی که در شرایط بحرانی، اهمیتی دوچندان می یابد.

«جامعه متخصصین بیهوشی و مراقبت های ویژه ایران درخواست و تأکید می کند که مراکز درمانی، بیمارستان ها، اتاق های عمل و بخش های مراقبت های ویژه باید همواره محیطی امن، آرام و مورد احترام باشند. استمرار ارائه مراقبت های حیاتی و نجات بخش، مستلزم حفظ امنیت حرفه ای، روانی و فیزیکی کادر درمان است. اعضای این جامعه، همچون گذشته، آمادگی کامل خود را برای حضور مؤثر و شبانه روزی در کنار تمامی بیماران و آسیب دیدگان و ارائه خدمات تخصصی در هر شرایطی اعلام می دارند. بی تردید، صیانت از جان انسان ها و تقویت نظام مراقبت های اورژانسی و حیاتی، سرمایه ای بنیادین برای سلامت و آینده جامعه به شمار می رود.

«جامعه متخصصین بیهوشی و مراقبت های ویژه ایران، ضمن دعوت به همدلی، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری مدبرانه از سوی نهادهای ذی ربط، برای مردم شریف ایران روزهایی همراه با سلامتی و آرامش آرزو می کند.

هیأت مدیره انجمن آنستزیولوژی و مراقبت های ویژه ایران

***بردگی را بر نمی تابیم!**

پرستاران و کادر درمان با وجود شرایط طاقت فرسای معیشتی تحت فشارهای شدید امنیتی هستند.

تعدادی از همکاران ما در مسیر خدمت رسانی و انجام وظیفه انسانی خود جان باختند و بخشی از پرستاران و کادر درمان و پزشکان به جرم خدمت رسانی به مجروحان در بازداشت و بیخبری بسر میبردند و حتی با احکام اعدام روبرو شده اند بطوریکه شورای عالی نظام پزشکی نیز مجبور به انتشار بیانیه ای در مورد بازداشتی های کادر درمان شد.

پرستاران و کادر درمانی شجاعانه، در مراکزی خارج از محیط بیمارستانهای رسمی به مجروحانی خدمت رسانی می کنند که به دلیل شرایط امنیتی به بیمارستانها مراجعه نکرده اند .

پرستاران و کادر درمان در شرایطی بنا به وظیفه انسانی شغلی خود خالصانه به مجروحان خدمت رسانی کرده اند که با معضلات شدید معیشتی دست و پنجه نرم میکنند.

مافیای بهداشت و درمان تنها با دیدن خشم پرستاران و کادر درمان به صورت قطره چکانی مبالغ تحقیر آمیزی از معوقات را در برخی شهرها و مراکز واریز کرده اند تا به خیال خود بتوانند از سرگیری اعتراضات متحد ما جلوگیری کنند .

واریز مبالغ توهین آمیز تعرفه های مرداد ماه بعد از ماهها تورم افسار گسیخته آنهم در دی ماه خونین و جنایت بار زمستان تنها شعله خشم ما را فوران میبخشد.

"شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران" یاد همه همکاران جانباخته را گرامی میدارد و از همه مردم آزادیخواه میخواهد صدای پرستاران و پزشکان زندانی و همه بازداشتی های اعتراضات دی ماه باشند و با گسترش اتحاد و همیاری به مجروحانی که بدور از خدمات درمانی در خانه بسر میبرند، یاری برسانند.

مطالبات و خواسته های صنفی معیشتی ما همچنان بدون پاسخ مانده است و تنها با اعتراضات پیگیر و مستمر ما محقق خواهد شد.

ما پرستاران و کادر درمان با همه مردم آزادیخواه درد مشترک داریم و این بردگی را بر نمی تابیم و اعلام میکنیم:

__پرستاران و کادر درمانی که به دلیل انجام وظایف انسانی و شغلی خود در زندان هستند و حتی با احکام و خطر اعدام روبرو شده اند، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند.

__همه معوقات تعرفه ای و فوق العاده خاص و مطالبات شغلی معیشتی ما باید بر طبق آخرین نرخ تورم محاسبه و تمام و کمال پرداخت شود.

__از مبارزات متحد و سراسری دانشجویان علوم پزشکی که خواهان آزادی فوری کادر درمان و همه بازداشتی های اعتراضات دی ماه هستند ،قویا حمایت میکنیم!

ما با همیاری و اتحاد میتوانیم سخت ترین شرایط را ایستادگی کرده و امید را زنده نگه داریم و برای داشتن زندگی انسانی به میدان بیاییم.

اتحاد، همیاری رمز پیروزی ماست

برای فردای بهتر امروز متحدشویم!

***وقتی عزاداری هم اعتراض می‌شود؛ رقص و هلله بر مزار جان باختگان اعتراضات اخیر**

تغییرات جدید در شیوه‌های عزاداری در ایران، به‌ویژه در مراسم خاکسپاری جانبختگان اعتراضات اخیر، نشان‌دهنده تبدیل سوگ به یک حرکت اعتراضی و بازپس‌گیری شادی از سیستم است.

در سکوت سنگین آرامستان‌ها گاه از گوشه‌هایی صدای کف‌وسوت و هلله به گوش می‌رسد؛ جایی موسیقی پخش می‌شود و جایی دیگر خنچه عقدی را بر مزار می‌آورند. زنانی با لباس مشکی کل می‌کشند و می‌رقصند. مادری فرزند جوانش را از دست داده اما به‌جای مرثیه با حرکت‌های نمادین با او وداع می‌کند. در روزهای گذشته تصاویر برخی مراسم خاکسپاری جانبختگان اعتراضات اخیر نشان می‌دهد که برخلاف سنت‌های پیشین، شیوه‌های عزاداری در حال تغییر بوده و در مواردی شکل تازه‌ای از بیان سوگ ایجاد شده و به‌نوعی به یک حرکت اعتراضی نیز بدل شده است. اگر جانبخته، جوان و در آستانه ازدواج باشد برایش خنچه عقد می‌آورند، قند می‌سایند و مادر کنار مزار رقصی کوتاه انجام می‌دهد. رقصی که ترکیبی از اندوه است. نقطه آغازین این شیوه سوگواری را می‌توان از سال‌های گذشته یافت؛ جایی که برخی خاکسپاری‌ها با شعر، سرود، شاهنامه‌خوانی و آئین‌های محلی همراه شده و تا امروز نیز ادامه پیدا کرده است.

انکار تحمیل غم

برخی کارشناسان معتقدند این نوع عزاداری‌ها در سال‌های اخیر به شکلی از نماد اعتراضی تبدیل شده است به‌گونه‌ای که برخلاف گذشته، شیوه سنتی سوگواری تغییر پیدا کرده و شیوه‌های مرسوم جای خود را به رقص و آواز داده‌اند.

عالیه شکرپیگی، جامعه‌شناس می‌گوید که بخشی از بازماندگان به‌جای عزاداری سنتی مبتنی بر گریه، سینه‌زنی و ماتم کلاسیک، به شادی نمادین روی آورده‌اند.

او درباره ابعاد این نوع عزاداری‌ها گفت: سنتی که اکنون در جامعه مشاهده می‌شود به‌ویژه در میان برخی خانواده‌های جانبختگان. اعتراضات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بخشی از بازماندگان به‌جای عزاداری سنتی مبتنی بر گریه، سینه‌زنی و ماتم کلاسیک، به شادی نمادین، رقص، کل‌کشی، دست‌زدن و حتی برگزاری مراسمی شبیه عروسی روی آورده‌اند. این پدیده ریشه در چند لایه روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد که می‌توان مهم‌ترین آنها را از منظر روانشناسی اجتماعی بررسی کرد. وی افزود: نخستین لایه تبدیل سوگ به کنش اعتراضی و مقاومت سیاسی است. بسیاری از خانواده‌ها با این رفتار می‌خواهند نشان دهند که تسلیم نشده‌اند و مرگ فرزند خود را به‌عنوان پایان یا شکست نمی‌پذیرند. رقص و شادی در چنین شرایطی نوعی انکار تحمیل غم از سوی ساختار اجتماعی و سیاسی است. به‌جای گریه‌ای که می‌تواند نشانه شکست یا ناامیدی تعبیر شود زندگی و شادی دیده می‌شود. جانبختگان اعتراضات کسانی بودند که برای حق زیستن انسانی، شادی، امنیت اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی به میدان آمدند. این شادی‌های نمادین در واقع ادامه همان خواسته‌ها و اهدافی است که معترضان به خاطر آنها به خیابان آمدند و بازماندگان اکنون حامل آن هستند. این نوع عزاداری نه‌فقط انکار مرگ بلکه انکار تحمیل قبرستانی غم است؛ مادران می‌گویند

غم وجود دارد اما تلاش می‌کنیم زندگی و شادی را در ادامه آن بنشانیم. تشییع و تدفین شاد به نوعی تداوم اعتراض در قالب سوگی جمعی تبدیل می‌شود.

بازپس‌گیری شادی

این جامعه‌شناس توضیح می‌دهد: دومین لایه بازپس‌گیری شادی از سیستمی است که شادی را محدود کرده است. دهه‌ها شادی عمومی، رقص، موسیقی شاد و حتی برخی آئین‌های سنتی در فضای عمومی محدود و در مقابل فرهنگ سوگ بر کشور غالب شده است. رقصیدن بر مزار جانب‌باختگان نوعی بازپس‌گیری نمادین زندگی و شادی سلب‌شده از مردم است. این رفتار حامل خشمی نهفته و جمعی نسبت به کسانی است که نظم حیات را برهم زده و زندگی جوانان را به سخره گرفته‌اند. این رقص صرفاً سوگ نیست بلکه نوعی از سوگواری است که به اعتراض تبدیل شده و پیامش این است که حتی در برابر تهدید مرگ نیز تسلیم نمی‌شویم. سومین لایه به ریشه‌های فرهنگی و سنت‌های کهن ایرانی بازمی‌گردد. در برخی اقوام ایرانی به‌ویژه در مناطق زاگرس‌نشین مانند لر، لک، کرد و حتی عرب‌های خوزستان، آئینی با عنوان «رقص غم» وجود دارد.

وی ادامه داد: در این آئین برای عزیز از دست‌رفته به‌خصوص جوانان به‌جای گریه صرف، با رقص و آواز، زندگی ناتمام او گرامی داشته می‌شود. این کنش‌ها ادامه همان شادی است که جوانان به خاطر آن جان خود را از دست داده‌اند. رقص سوگ رسمی محلی است که معمولاً برای جوانی اجرا می‌شود که فرصت زندگی، ازدواج و آینده از او گرفته شده است. در این رقص، دست‌ها به سمت آسمان بلند می‌شود، گویی عزیز از دست‌رفته را به آغوش می‌کشند. این سنت کهن ایرانی اکنون با یک لایه سیاسی قوی ترکیب شده و به نمادی فراگیر در میان بازماندگان جانب‌باختگان تبدیل شده است.

رقص عزا؛ سوگ خاموش

شکریبیگی در ادامه می‌گوید: در مجموع این نوع عزاداری پیامی روشن دارد؛ بازماندگان اعلام می‌کنند که اجازه نمی‌دهند مرگ عزیزانشان تنها به سوگ خاموش تبدیل شود بلکه آن را به زندگی، اعتراض، معنا و ادامه مطالبه‌گری پیوند می‌زنند. این شادی نمادین هم مقاومت است، هم بازپس‌گیری حق زیستن و هم تداوم همان رویایی که جانب‌باختگان برایش به خیابان آمدند. بخشی از جانب‌باختگان خودشان وصیت کرده بودند که برایشان گریه نکنند و به‌جای عزاداری، شادی کنند. خانواده‌ها با این رفتار هم به وصیت فرزندشان عمل می‌کنند و هم به دولت نشان می‌دهند که نمی‌توان آنها را به سوگ تحمیلی نشان داد. از منظر روان‌شناختی نیز می‌توان این رفتار را نوعی مکانیسم دفاعی در برابر غمی غیرقابل تحمل دانست. رقص و شادی می‌تواند واکنشی افراطی در برابر اندوه عظیمی باشد که از دست دادن فرزندی که با جان و دل پرورش یافته و ناگهان با یک گلوله از زندگی حذف شده، ایجاد می‌کند. این وضعیت شبیه نوعی خنده عصبی در سوگ‌های بسیار سنگین است مانند کشته شدن جوانان وطن. رقصیدن با ترانه‌های امروز در مراسم عزا نه فقط کنش سیاسی بلکه می‌تواند جلوه‌ای از حالتی باشد که از عمق غمی ناشی می‌شود که بر جامعه غالب شده است.

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 18 بهمن

***مرگ و مصدومیت 3 کارگر کارخانه طلای سفید بر اثر سقوط از ارتفاع بدنبال انفجار**

روزشنبه 18 بهمن،بدنبال انفجار در کارخانه طلای سفید واقع در محور کلاله به گنبد،استان گلستان و سقوط از ارتفاع یک سیلو گندم و غلات یک کارگران خود را ازدست داد و 2 کارگر دیگر مصدوم و به بیمارستان منتقل شده‌اند.

akhbarkargari2468@gmail.com